

دریچه

خسرو سینایی:

حاشیه‌های قبل و بعد از ساختن فیلم آزارم داده است



● آیین نکوداشت و نشست آخرین اثر خسرو سینایی، کارگردان وفیلم‌نامه‌نویس، در بخش فرهنگی مرکز وقت زندگی برگزار شد. در این مراسم از پنج دهه فعالیت‌های سینمایی، موسیقی و ادبی خسرو سینایی تجلیل شد و آخرین اثر او کتاب صوتی «یادگاری» که شامل اشعار سینایی با آهنگ‌سازی خود اوست، به صورت کامل برای حضار پخش شد.

سینایی در ابتدای این مراسم گفت: «همیشه از ساختن فیلم لذت بردهام، ولی همیشه حاشیه‌های قبل و بعد از ساختن آن آزارم داده است. تجربه کردم که سینما به دلیل نیازی که به واسطه‌های متعدد و سرمایه دارد، مشکل می‌تواند به مرزهای هنر نزدیک شود و اغلب ناچار است در محدوده مهارت‌های حرفه‌ای محبوس بماند. چشمه جوشان خلاقیت خیلی زود می‌خشکد و در سینما آن‌قدر سرمایه، فناوری، واسطه‌ها، مصلحت‌ها و شرایط اجتماعی در شکل‌گرفتن یک فیلم نقش دارند که اگر فیلمی را ساختی و دست‌کم نیمی از آنچه را که در ذهن داشته‌ای در آن یافتی، باید خیلی خوشحال باشی». او ادامه داد: «سال‌هاست که ثابت شده قوانین تکراری آکادمیک هرگز شاعر نساخته‌اند، بلکه در مواردی عصبانی در دست شاعر هنرمند بوده‌اند تا در ابتدای راه سقوط نکنند و در بسیاری موارد هم حتی زنجیری بر پایش که او را از پیشرفت بازداشته‌اند. آنچه به شکل‌گرفتن یک اثر هنری می‌انجامد، جوشش چشمه‌ای زلال در ذهن هنرمند است که در نهرهای مختلف جاری می‌شود. شعر در کلام، موسیقی، نقاشی و همه هنرهای دیگری که حاصل خلاقیت ذهنی هنرمندند، ابزارهای مختلفی هستند که او برای بازتاب محتوای ذهنی‌اش به کار می‌گیرد. اثری خالی از جوشش خلاق، هرچند که بسیار ماهرانه شکل گرفته باشد، ممکن است از فعال عرصه هنر، استادکار بسازد، اما در محدوده خلاقیت هنری قرار نمی‌گیرد. تأکید می‌کنم که قصد انکار ارزش‌های مهارت را در بازتاب محتوای ذهن ندارم... اما مهارت خالصی از خلاقیت، در جایگاه هنر چیزی کار دارد».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش ضمن تشکر از دکتر محمدجواد فاطمی و زهره آشوری برای برگزاری این مراسم و ضرورت و نیاز این روزهای جامعه برای چنین مراکزی و نشست‌های فرهنگی و هنری گفت: «امروز در این اثری که به‌سه عنوان «یادگاری» به شما تقدیم می‌کنم، دوباره به شعر و موسیقی پرداختهام و کوشیده‌ام چه در کلام و چه در موسیقی بیانی ساده و رها از نظریه‌پردازی‌ها، سبک‌ها و سلیقه‌ها داشته باشم. کوشیده‌ام خودم باشم که از سال‌ها پیش تکرار کرده‌ام. بر اساس باورهایی که مطرح کردم، کلام و موسیقی، هر دو، ابزارهایی برای بیان ذهنیاتم هستند. برای جالب بود که بدانم چگونه می‌توان شعر در کلام را به زبان موسیقی تبدیل کرد. اشعارم را به بخش‌های مختلف تقسیم کردم و کوشیدم احساس جاری در هر بخش را به زبان موسیقی بیان کنم. بیش از آنکه تلفیق هم‌زمان و متداول کلام و موسیقی در یکدیگر موردنظرم باشد، بافت متناوب آن دو برای بازتاب یک احساس و ذهنیت واحد برایم مطرح بود. کلام و موسیقی برایم ابزاری شدند برای بیان ذهنیتی که ظاهراً عادت دارد راه‌های نه‌چندان آسان را انتخاب کند».

بهناز شیرپانی: «مکث روی سکوت» عنوان نمایشگاه عکس مهدی پاکدل است؛ نمایشگاهی که ۲۹ آذرماه افتتاح شد و قرار است تا ششم دی در گالری «باروک» پذیرای علاقه‌مندان باشد. جدا از تماشای عکس‌های نابی که پاکدل از طبیعت ثبت کرده، در نگاه نخست عنوان این نمایشگاه و بعد جملات کوتاه و عمیقی که در کنار عکس‌ها خودنمایی می‌کند، تصویری متفاوت‌تر از این نمایشگاه به مخاطبان‌ش ارائه می‌دهد. «طبیعت وقتی سکوت می‌کند، هیبتی شکوهمند می‌یابد در آن لحظه موعود حضور، با همه وجودت می‌شوی تماشا... خودت را هرچند اندک،

اما بخشی از طبیعت می‌بینی و در این جادو سهمیم می‌شوی. تمام تلاشم در ثبت و انتخاب این تصاویر این بود که بتوانم بخشی از این سکوت جادویی طبیعت ایران را با مخاطب سهمیم شوم. می‌شود برای یک مجموعه عکس، ترتیب مشخص یا داستانی را روایت کرد. وقتی این ۱۵ عکس را کنار هم دیدم، قصه «مرغان» شیخ شهاب‌الدین سهروردی در ذهنم لانه کرد». این بخشی از نوشته مهدی پاکدل در معرفی نخستین نمایشگاه عکس‌هایش است. اما صحبت ما با او به بهانه برگزاری نمایشگاهش از روزگاری که علاقه‌مندی‌اش به عکاسی را در خودش دید، آغاز شد. «از وقتی چشم باز کردم، در خانه ما صحبت از عکس بود. برادرم عکاسی می‌کرد و با این مفاهیم آشنا بودم. به مرور این علاقه‌مندی من را به سمت رشته گرافیک کشاند، در حین تحصیل به عکاسی نزدیک‌تر شدم. مثل همه جوان‌های عشق عکس آن زمان، دوربین زینت خریدم و دوربینم بخشی از زندگی‌ام شده بود. مثل کمشده‌ای که پیدایش کردم. همه تصاویر اطرافم برایم شکل دیگری داشت همه چیز را در درجه دوربینم می‌دیدم. بیشتر نگاهم به آسمان، کوه، ابر و... بود. طبیعت برایم سوزۀ جالبی بود و شکوه آن مرا مسح می‌کرد. پس اندازم همیشه صرف خرید دوربین‌های بهتر می‌شد».

عکس‌های این نمایشگاه تاریخ‌های دور و نزدیکی را ثبت کرده‌اند. عکسی که سال ۸۳ ثبت شده است در کنار عکس دیگری که زمان نزدیک‌تری را نشان می‌دهد. پاکدل درباره جمع‌آوری این مجموعه گفت: «بعد از صحبت با گالری‌دار، براساس فضای گالری ساین عکس‌ها مشخص شد و ساین عکس‌ها بیشتر به این دلیل است که از این طریق بتوانیم بخش کوچکی از طبیعت را نشان بدهیم؛ چراکه بعد از حضور پررنگ فضای مجازی، بیشتر عادت به دیدن عکس‌ها روی ماینیتور داریم و کمتر عکس‌ها را چاپ‌شده در آلبوم خانوادگی می‌بینیم، در این شرایط بحث عکس طبیعت جدا است و باید از دریچه دیگری به آن نگاه کرد. به همین دلیل سعی کردم عکس‌ها را در ابعاد بزرگ چاپ کنم. بعد از دیدن همه عکس‌ها، احساس کردم می‌توانم براساس داستان مرغان سهروردی، یک کانسپت برای زیرمتن عکس‌ها داشته باشم. علاقه‌مند بودم تا عکس‌ها به‌تنهایی دیده نشوند و بیشتر به یک مولتی‌مدیا فکر کردم تا این حس را انتقال بدهد که این عکس‌ها در کنار هم، قصه‌ای را برای بیننده می‌سازند. چندین ماه دنبال قصه‌ای برای این عکس‌ها بودم و خوشبختانه این قصه را پیدا کردم و به نظرم جذاب بود».

پاکدل در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره انتخاب عنوان «مکث روی سکوت» که الهام‌گرفته از خود طبیعت است، گفت: «طبیعت معمولاً

هنر

گفت‌وگو با مهدی پاکدل به بهانه برگزاری نمایشگاه «مکث روی سکوت»

کیارستمی همیشه تأثیراتش را در زندگی‌ام گذاشته است



کیارستمی، شهاب‌الدین سهروردی

کهن و کلاسیک کشورم یکی از انگیزه‌های من برای برپایی این نمایشگاه بود. به نظرم حتی اگر یک نفر با دیدن قصه‌ای که سعی در روایتش داشتم با ادبیات کهن کشورمان ارتباط بهتری پیدا کند، قطعا به هدفم رسیده‌ام. یکی از ویژگی‌های سهروردی، روایت مفاهیم فلسفی از طریق قصه است. معتقدم تنها چیزی که بشر را زنده نگه داشته، قصه است. براساس داستانی از سهروردی این نمایشگاه برای من سفر اودیسه‌وار پرزده‌هاست تا به خانه حضرت ملک برسند. بر همین اساس در همه عکس‌ها بازی نور و تأثیر خداوند بر این هستنی منظم را می‌بینید. جذاب‌ترین بخش این قصه برایم این است که سهروردی به‌طرز عجیبی انکار سینما می‌دانسته و

ساکت نیست. باد، دریا و... همیشه صدای خاص خودشان را دارند. برای من به عنوان مخاطب، نه عکاس، زمانی که در طبیعت حضور دارم، لحظه‌ای شگفت‌انگیز اتفاق می‌افتد. گاهی با دیدن عظمت و جادوی طبیعت، با آن یکی می‌شوم و دراین شکوه عظیم شریک می‌شوم. لحظه‌ای که سکوتی در وجود بشر اتفاق می‌افتد و ترجیح می‌دهی در این لحظات با درونت صحبت کنی. این ۱۵ قطعه برای من چنین حال‌وهوایی داشت. لحظه لذت‌بخشی که دوست داری روی این سکوت مکث کنی. امیدوارم این مجموعه این حس را به مخاطب هم منتقل کرده باشد. اما انتخاب قصه برای این مجموعه، داستان جذاب‌تری است. رفتن به سراغ یکی از متون



درطول روایت مدام نقطه نگاهش را عوض می‌کرده و این همیشه برایم جذاب بوده است». مهدی پاکدل در پاسخ به این پرسش‌ها که به چه دلیل پیش از این نمایشگاهی از آثارش را به نمایش نگذاشت، گفت: «برگزاری این نمایشگاه برای خودم هم یک درمان بود. روزگار خوبی را پشت سر نمی‌گذاریم. اطرافمان سایه‌ای می‌بینیم و به نظرم این از سرب‌ی که تنفس می‌کنیم، کشنده‌تر است. دوست داشتم این لحظات خوبی که از قدرت خداوند دیدم را به اشتراک بگذارم. امیدوار بودم مردم در این شرایط چشمانشان رنگ و زیبایی ببیند. برگزاری این نمایشگاه برای من در این زمان لازم بود. به ۴۰سالگی رسیده‌ام. در این مرحله از زندگی به دیدن زیبایی بیشتر نیاز دارم. همه ما محکوم به زندگی‌کردن هستیم و نمی‌توانیم ناامید باشیم. فکر می‌کنم رسالت یک هنرمند این است که ذره‌ای امید به مخاطبش هدیه کند».

پاکدل که پیش از برگزاری نمایشگاهش در صفحه شخصی با طرحی از تصویر عباس کیارستمی از تأثیرگذاری آثار او نوشت، درباره تأثیرپذیری از کیارستمی در عکاسی طبیعت گفت: «از قدم‌های ابتدایی که در عکاسی برداشتم، دیدن عکس برای من یکی از الزامات زندگی‌ام بود. دوست داشتم عکس‌های خوب ببینم که خوشبختانه بعد از حضور پررنگ اینستاگرام، با کار عکاسان بزرگ جهان بیشتر آشنا شدم. با دیدن آثار آقای کیارستمی همیشه به این فکر می‌کردم که ای کاش من هم صاحب نگاه شوم و به دنبال این بودم که راز این نگاه متفاوت عباس کیارستمی چیست؟ عباس کیارستمی همیشه در زندگی تأثیراتش را گذاشته است. از نوجوانی شیفته نگاهش بودم و برایم جالب بود که چقدر متفاوت می‌بیند و زیبایی‌شناسی او متفاوت و منحصر به فرد بود. از اولین لحظه خلق این نمایشگاه فقط به عباس کیارستمی فکر می‌کردم. نوشته من برای او بیشتر احساس دلتگی و ادای دین بود».

پاکدل در روز نخست و افتتاح نمایشگاهش میزبان سه هزار بازدیدکننده بوده و نظرات بسیاری از مخاطبان آثارش دریافت کرده است. او در پایان گفت: «اسم خودم را عکاس نمی‌گذارم و باید تشکر ویژه از عکاسان کشورم داشته باشم؛ افرادی که به طور حرفه‌ای عکاسی می‌کنند. من هیچ وقت خودم را یک عکاس حرفه‌ای نمی‌بینم. به نظرم یک عکاس حرفه‌ای شخصی است که از راه عکاسی امرار معاش می‌کند. من هیچ وقت از عکاسی زندگی نگذراندم، بنابراین من عکاس حرفه‌ای نیستم و اگر عکاسی می‌کنم، منظورم این نیست که عکاس حرفه‌ای هستم. تشکر می‌کنم از عکاسانی که کنارم بودند و در نمایشگاه حضور داشتند. بزرگان این هنر به نمایشگاه آمدند و قدم روی چشم من گذاشتند. حضورشان در این نمایشگاه مهر تأییدی بود روی کارهای من. در همه این سال‌ها جدا از تحصیل در رشته عکاسی و گرافیک، به‌خاطر حرفه دیگری شناخته شدم و اگر شهرت ناچیز من باعث شده علاقه‌مندانی به دیدن عکس جلب شوند، برای من یک موفقیت است. قصد دارم به همه عکاسان بگویم فکر نکنند جساتری کردم و به فضای عکاسی وارد شدم، چراکه فضای عکاسی جهانی بی‌نهایت است و آدم‌های مختلفی در آن حضور دارند. حرفه عکاسی برای من فضایی بسیار مقدس و جدی است و خوش‌حالم که هنرمندان عکاس با حضورشان در کنارم، کار من را تأیید کردند».

مستند در سینمای ایران اساسا چه جایگاهی دارد؟

هستند و آیا این سینمایی که وریته (حقیقت) نام گرفته است، می‌تواند همچون نامش بی‌واسطه و مستقیم عمل کند و مشاهدگر موضوعات اجتماعی و بازتاب‌دهنده مسائل این روزها باشد؛ آن‌هم در وضعیتی که اکنون مردم ثابت کرده‌اند به واسطه داشتن دوربین‌های باکیفیت موبایل می‌توانند تصاویر حقیقی‌تر از لحظات آتی زندگی‌شان ثبت کنند. اساسا مستندی که نه جایگاه ویژه‌ای در میان مردم دارد و نه‌ا جز حداقل امکان ارتباط با مخاطبان عام خود برخوردار است، با از دست‌دادن تنها راه ارتباطی کوچک، آن‌هم به واسطه روند پولی‌سازی در این جشنواره چگونه می‌تواند تأثیرگذار باشد و برخلاف اسمش، بدون هزاران واسطه و فیلتر با مخاطبش روبه‌رو شود؟ و آیا این فرایند صرفا جز دست‌به‌دست‌شدن فیلم‌های مستند میان چند جشنواره داخلی و خارجی، فرصتی را برای مداخله و پرسشگری آنها فراهم می‌آورد؟ از آن طرف، مستندساز داد سخن سر می‌دهد که به گفته خودشان، ما به مخاطب عام نیاز داریم. از این طرف مستولان و دست‌اندرکاران می‌گویند چه خوب شد که پولی شد. خنده‌دار نیست که شلوغی و ازدحامی که نشان از استقبال مردم از هر طیف دارد و باید مایه خوشحالی برگزارکنندگان این جشنواره باشد را به بهانه‌ای برای فروش بلیت برای کم‌کردن مخاطب تبدیل کرد؟ کدام منطقی مردم را پشت درهای بسته می‌گذارد و با علم به اینکه شرایط اقتصادی بد است و مردم هر روز ناتوان‌تر می‌شوند، هوشمندانه ناتوانی مالی آنها را هدف قرار می‌دهد؟ و میزان علاقه‌مندی و مصمم‌بودن‌شان در تماشای مستند را با پول جیبشان می‌سنجد؟ این موضوع همچون اکثر فرایندهای پولی‌سازی جز اینکه به ما بگوید مخاطب واقعی فیلم مستند تنها کسی است که پول دارد، معنای دیگری ندارد. اگر پول نداری، نیاز به دیدن مستند هم نداری.

پولی‌سازی قطعا به معنای عدم مواجهه بی‌واسطه مستندساز با مردم است زیرا آن‌طور که از اسامل پیدا بود، فقط دانشجویان، هنرمندان، مستندسازان و دست‌اندرکاران سینما بیشتر به جشنواره آمده بودند و امکان تماشای فیلم داشتند. اساسا جز جشنواره که امکانی بسیار محدود و ناچیز برای نمایش فیلم‌های مستند است، امکان دیگری وجود ندارد و جز تلاش خود فیلم‌ساز در شبکه‌های اجتماعی شخصی‌اش راه دیگری برای توزیع و نشر اثرش وجود ندارد. این در صورتی است که جشنواره سینماحقیقت می‌توانست فرصتی باشد برای جذب حداکتری مخاطب مردمی و مستقل که به واسطه همین روند پولی‌سازی شانس آن را بین برد.

زیر آسمان فیروزهای

برگزاری کنسرت علیرضا عصار پس از ۲ سال

● علیرضا عصار خواننده باسابقه موسیقی پاپ که چندی پیش قطعه «دلنگ» را منتشر کرد، قرار است با اجرای قطعه‌ای جدید و منتشرنشده، پس از دو سال دوری از اجراهای زنده، در روزهای پایانی دی‌ماه ۹۸ با مخاطبان‌ش در تالار بزرگ وزارت کشور دیدار کند. این خواننده که تاکنون آثار برجسته‌ای را در حوزه موسیقی پاپ کشور منتشر کرده است، جدیدترین کنسرت خود با عنوان «پایان دلتنگی» را در روزهای ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه سال ۹۸ به همت مؤسسه «آوای هنر» در تالار بزرگ وزارت کشور برگزار خواهد کرد. عصار پیش از این قرار بود کنسرتی را در روزهای پایانی آذرماه روی صحنه بردد که پیش از بلیت‌فروشی، به‌دلیل نامساعدبودن شرایط آن زمان، تصمیم به تغییر زمان برگزاری اجرا گرفت و درنهایت با انتشار ویدئویی در صفحه شخصی خود از «پایان دلتنگی» خبر داد و تاریخ جدید اجراهایش در دی‌ماه را به مخاطبان‌ش اعلام کرد. علیرضا عصار در این کنسرت با همراهی ارکستری به رهبری پویا نیک‌پور روی صحنه خواهد رفت و قطعات آلبوم «جز عشق نمی‌خواهم» و گلچینی از قطعات گذشته خود را به همراه قطعات جدید اجرا می‌کند. او همچنین در جدیدترین اجرای خود قرار است، قطعه‌ای جدید و منتشرنشده را برای نخستین‌بار در این کنسرت به اجرا دریاورد. این خواننده که پس از شش سال توقف در فعالیت‌هایش، آذرماه سال ۱۳۹۶ آلبومی را تحت عنوان «جز عشق نمی‌خواهم» منتشر کرد- که با استقبال مخاطبان مواجه شد و در پنجمین جشن سالانه موسیقی ما عنوان بهترین آلبوم از نگاه کارشناسان موسیقی را از آن خود کرد و آخرین اجرایش را دی‌ماه همان سال روی صحنه برد- قرار است با برگزاری کنسرت تهران، به دوری دوساله از هوادارانش پایان دهد. گفتنی است، بلیت‌فروشی کنسرت علیرضا عصار برای روزهای ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه ۹۸ آقشار شده و تاکنون مورد استقبال مخاطبان این هنرمند قرار گرفته است و علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت ایران‌کنسرت مراجعه کنند.

رونمایی از مستندی درباره بهرام بیضایی

● **ایستا:** مستند «چریکه بهرام یا ایمان به قدرت تصویر» درباره بهرام بیضایی به کارگردانی فرشید قلی‌پور چهارم دی‌ماه در موزه سینما نمایش داده می‌شود. آیین رونمایی از مستند «چریکه بهرام یا ایمان به قدرت تصویر» به کارگردانی فرشید قلی‌پور که قرار است در گروه هنروتجربه نمایش داده شود، چهارشنبه چهارم دی‌ماه ساعت ۱۹:۳۰ در موزه سینما برگزار می‌شود. این مستند در ۸۰ دقیقه به تحلیل سینما و تئاتر بهرام بیضایی می‌پردازد. فرشید قلی‌پور فارغ‌التحصیل مدیریت صنعتی از دانشگاه آزاد و دانش‌آموخته مؤسسه فرهنگی هنری کارنامه است. قلی‌پور از سال ۱۳۷۱ تاکنون سابقه بازیگری، نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی در تئاتر، تلویزیون و سینما را در کارنامه‌اش دارد و همچنین از سال ۱۳۹۴ کتاب‌هایی در حوزه‌های سینما، تئاتر و ادبیات منتشر کرده است. ازجمله آثار مکتوب این کارگردان می‌توان به چهار کتاب پژوهشی درباره آثار سینمایی و تئاتری بیضایی به نام‌های «کاوش در سینما و تئاتر بهرام بیضایی»، «بهرام‌نوشت: دیالوگ‌های ماندگار بهرام بیضایی در سینما و تئاتر»، «جستاری در پژوهش‌های بهرام بیضایی» و «از شعر تا واگوپه در آثار بهرام بیضایی» اشاره کرد. براساس این گزارش، مستند «چریکه بهرام یا ایمان به قدرت تصویر» مورد تأیید بهرام بیضایی قرار گرفته است. فرشید قلی‌پور در یادداشتی انگیزه‌اش از کارگردانی این مستند را چنین شرح می‌دهد: «چریکه بهرام یا ایمان به قدرت تصویر» عنوان مستند بلندی است که به پاس کوشش‌ها و تلاش‌های تأثیرگذار عالیجناب بهرام بیضایی بر فرهنگ و هنر این مملکت ساخته شد. بی‌تردید حضور همه بزرگانی که در مقابل دوربین ما قرار گرفتند و درباره یکی از شخصیت‌های مهم فرهنگی و هنری معاصر سخن گفتند برای من بسیار مغتنم و ارزشمند است و قدر این همه مهر و لطف را می‌دانم. همچنین از همه دوستان نازنین و همکاران گران‌قدری که از آغاز مرحله پیش‌تولید تا آماده‌شدن نسخه نهایی از هیچ کوششی فروگذار نکردند نیز فراوان سپاسگزارم و قدران‌شان هستم. در ساخت این مستند کوشیدیم تا در گفت‌وگو با دو گروه از بزرگان هنر و فرهنگ ایران به اندیشه استاد بهرام بیضایی و آثار ایشان بپردازیم؛ یک گروه عزیزی که با ایشان کار کرده بودند و گروه دیگر عزیزی که همکاری مستقیم با استاد نداشتند اما در زمره صاحب‌نظران در حوزه فرهنگ و هنر هستند. این فیلم به دست استاد بهرام بیضایی هم رسيد و لطف و بزرگواری ایشان شامل حال ما شد. امید آن را داریم که تماشای این اثر برای مخاطبان آن جذاب و قابل توجه باشد؛ بزرگواری که این شخصیت فرهیخته و بزرگ را می‌شناسند و با آثار و اندیشه ایشان آشنایی دارند و همچنین دانشجویان و هنرجویان عزیز که به‌تازگی پا در وادی هنر نهاده‌اند.